

شعار های یک میلیونی

روح الله صالحی



خدا قوت پهلوان، خسته نباشی دلآور» شاید به تون این جمله معروف گزارش های هادی عامل از مسابقات کشتی را با کارکردی ولورنه به این روزها بمان گفت و تا دلمان خنک شود.

در ادامه سری رکورد گیری های ایرانی ها، تهرانی ها در ظرف مدت یک ماه، یک میلیون تماس تلفنی با ۱۱۰ داشته اند که کم و بیش می توان با غلظت کمتر به کلان شهرهای دیگر تعمیم داد.

تلفن فوریت های پلیس برای سفارش شربت پیدمشک و یک آب طالبی دیش و نگرگی نیست. این تلفن یعنی جایی حرج بر انسان تنگ آمده و می خواهد پلیس دادستان اثر یک کسی که نبرد حق و ناحق می کند این تعریف را همه بیجه های دبستان جم می دانند اما آن چه پشت این صورتک ساده ایستاده اژدهای بدترکیب و بد قرصی است که پرخاشگری ایرانی ها نشان می دهد و مثل لوله های گودکی باید ترسید سر فر فر برد قوی روشنایی فاقوسی تا سایه اش را نبینی.

شماره های زیبا، شبیه پوزه سپ زغبی هستند به وقت سوختگی می گناری روی پوست و خنکی خاصی می دود توی تک تک مفلول ها، اما فقط چند ثانیه کاربرد دارد بعد پوایش پوایش پوست داغ می شود و این بار تاول حتمی است چرا که درملن را به تعویق نماندنی است.

شمار تهران، شهر اخلاق» هم شبیه همین سپ زغبی رنده شده روی سوختگی پوست است و برای تسکین سوختگی های کوچک و معمولی می شود مالید. نه برای سوختگی هایی که بشود درصد برایش تعیین کرد.

هاشمی، رئیس شورای شهر تهران در آغاز پنجاه و پنجمین جلسه شورای شهر تهران گفته بود: «مردم می دانند که شعار تهران شهر اخلاق، تنها با تبلیغات عملی نمی شود و گام نخست حرکت به سمت خصوصیات مثبت اخلاقی را ما باید از خود شروع کنیم.» نا وجود دانستن اما هیچ اقدام عملیاتی برای تحقق شعار نه تنها دیده نشده بلکه انگار همین شعار و بازی ریشی با آن برای شان کفایت می کند.

این که با شیب ملایم یا تند یا هر چیز دیگر یورش برده این سمت یک میلیون تماس با فوریت های پلیس، یعنی یک میلیون احساس عدم مابازش، دعوا، مشاجره شدید، احساس ناامنی از سوی کسی و... این لیست برای تحقق شماری که اتفاقا برای مدیریت آن حکم هم زده اند جالب است. در بخشی از حکم رئیس گروه اخلاق شهروندی تهران، خطاب به دکتر رسول رسولی پور آمده است: «با تشکیل گروه اخلاقی شهروندی و کسب نظر و جلب حمایت فرزانگان و مسئولان حوزه فرهنگ در تدوین منشور زیست اخلاق معنارانه شهروندی بر اساس الگوهای

فرهنگی ایرانی اسلامی توفیق یابید» اما بعد از آن با توجه به رزومه قوی ایشان هیچ بازخورد بیرونی و تربیتی جهت ترویج دیده نشده است. این «توفیق یابید» یک فراگفتی مزمین یا خودشی دارد انگار قرار است این ها بگویند: «پیشو» و اخلاق از مریخ به مقدار کافی وارد شود و بنگارند توی هر بیلبورد و مردم با دیدن آن حاسر و جان شان به خطر خنک اخلاق آغشته شود و از قردا بی رسلطه به هم لبخند بزنند.

ایان سال ۸۶ نشست «تبیین مؤلفه های شهر اخلاق و راهکارهای تحقق آن در سایه آموزه های قرآنی» برگزار شد و بدون دستاوردی که امروز بشود به آن تکیه کرد نه در حوزه معنا شاهد آن هستیم نه حتی عملی و مبلغان شهری و... و از این دست جلسات می تون با جستجو چند تایی ردیف کرد و آخر بگوییم: «هیچ»

اتفاقا در آن نشست شهر اخلاق را شهری تعریف کردند که بدون پلیس باشد و امروز یک میلیون تماس یعنی خواب و خوراک از پلیس گرفته ایم و چه قدر در ایجاد اخلاقی موقوف بوده ایم.

این جاست که باید بلند گفت: «خدا قوت پهلوان، خسته نباشی دلآور» قرار نیست تصویری گلخانه ای از تهران یا شهرهای دیگر ارائه داد بلکه باید واقعیت ها را گذاشت وسط و بعد باید تعریفی را بین مدیران یکی کرد که در اکثر مواقع عدم تعریف مشترک از واژه ها و مفاهیم علت عدم کامیابی بوده اند. هم چنین قرار نیست آرمان شهری پیش برویم همین که بشود این آمار را به حداقل تماس ممکن رساند یعنی دستاوردی روانشناسی و تربیتی، آن وقت می توان گفت که از شعار خارج شده ایم.

ما در چند دهه گذشته بلد شدیم حرف های خوب بزنیم، حرف درمانی داشته باشیم، اما وقت عمل به دلیل چند کانگی در حوزه کاری و موزی کاری های چند لایه عملا قوی در زمین دیگری شوت شده است و بغیه تماشاگر هستند.

پایتخت بودن خاصیتش همین است که می شوی الگو و کارکردی سمبلیک منجمومی را از تو طلب می کنند و درد جایی است که این مفاهیم کارکردی وارونه از پایتخت منعکس کنند.

خاصیت این احکام، چشمواره ها، نشست ها و... چیست؟ که نمی توانند یک الگوی مشخص در تمام زیربخش های که ختم به اخلاق عمومی می شود را مهندسی و طراحی کنند.

فراگفتی تنها مهر مدیریتی محسوب می شود وقتی این سوال را از هر مدیر فرهنگی و اجرایی می پرسیم می گویند: «هر حوزه فعالیت ما نیست و دیگری مقصر است» این نشان می دهد ما با نه مربی کنار تشنگ انتظار قهرمانی گشتی گیر را در المپیک داریم وقتی یکی می گویند: «لنگش کن» و دیگری می گویند: «فرخت افکن بزن» آن وسط ورزشکار تا می خواهد به خودش بیاید تا حرفه کدام گوش بدهد خاک می شود.

هر گاه توانستیم با کدترین هزینه، سه حوزه رفاه، معنا و رضایت را ایجاد کنیم آن وقت می شود بز داد که «تهران، شهر اخلاق» را به سرانجام رسانده ایم و بدون شک همه خواهند گفت: «خدا قوت پهلوان خسته نباشی دلآور»



انجمن آرایه

سازمان ملی استاندارد ایران



بر مبنای مصوبه هشتاد و هشتمین اجلاس شورای عالی استاندارد مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲۵ انواع لامپ روشنایی عمومی با استاندارد ملی مربوطه مشمول مقررات استاندارد اجباری قرار گرفته است. استاندارد ملی ایران به شماره ۹۱۷۲ تحت عنوان لامپ های فلوروسنت دوگانه ک

- ویژگی های ایمنی برهنا یک هزار و سی و پنجمین اجلاس کمیته ملی برق - الکترونیک مورخ ۹۶/۶/۲۴ مورد تجدید نظر گرفته است که مراتب جهت اطلاع عموم و توجه به الزامات قانونی آگهی می گردد.

الزامات قانونی:

لذا کلیه تولید کنندگان این فرآورده شش ماه از تاریخ انتشار آگهی مهلت خواهند داشت تا نسبت به رعایت استاندارد مذکور اقدام لازم را به عمل آورند.

همچنین واردات فرآورده های مشمول مقررات استاندارد اجباری پس از انقضای مهلت مقرر بر حسب ضرورت و اولویت باید منطبق با استاندارد ملی و یا استاندارد دها و ضوابط فنی معتبر و مورد قبول سازمان باشد. کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی ذیربط می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در مرکز به سازمان ملی استاندارد ایران و در استانها به ادارات کل استاندارد مراجعه نمایند.

۱۳۷۱/۱۱/الف

دفتر روابط عمومی و ارتباطات بین الملل

روزنامه دنیای جوان پنجشنبه ۱۳۷۱/۱۱/۱۶